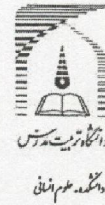


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی
تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان خانم **آنیسا همایون فرد** تحت عنوان:

بررسی سیر تحول در معنا و مفهوم تفکر انتقادی و تحلیل زمینه های همگرایی آن با تربیت دینی

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر سید مهدی سجادی	دانشیار	
۲- استاد مشاور	دکتر علی رضا صادق زاده قمصری	استادیار	
۳- استاد ناظر (داخلی)	دکتر محسن ایمانی نائینی	استادیار	
۴- استاد ناظر (خارجی)	دکتر شهین ایروانی	استادیار	
۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر محسن ایمانی نائینی	استادیار	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب.....^{تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش}..... دانشجوی رشته.....^{تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش}..... و رودی سال تحصیلی.....۱۳۸۸..... مقطع.....^{تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش}..... دانشکده.....^{تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش}..... مآخذ علمی مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت ننمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....
تاریخ:.....

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته **تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش**

است که در سال **۱۳۹۰** در دانشکده **علوم انسانی**

دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر **سید مهدی سجادی**، مشاوره

سرکار خانم/جناب آقای دکتر **علی رضا صادق زاده قمصری** و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **آینتا همایون فرد** دانشجوی رشته **تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش** مقطع **ارشد**

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: **آینتا همایون فرد**

تاریخ و امضا: **۹۰/۹/۲۹** 



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش
تعلیم و تربیت اسلامی

بررسی سیر تحول در معنا و مفهوم تفکر انتقادی و تحلیل
زمینه های همگرایی آن با تربیت دینی

آنی‌تا همایون فرد

استاد راهنما:

دکتر سید مهدی سجادی

استاد مشاور:

دکتر علی رضا صادق زاده قمصری

آذر ۱۳۹۰

تقدیم بہ مہربان فرشتگانی کہ:

مخاطات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت

خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربہ ہای یکتا و زیبای

زندگیم، مدیون حضور سبز آہناست۔

تقدیم بہ خانوادہ عزیزم

شکر و قدردانی

سپاس بیکران یکتای بی بهمتی که غنای مطلق است.

تقدیم سپاس فراوان به استاد راهنمای فرهیخته و فرزانه، جناب آقای دکتر سجادی، که بارهنگامی های بوشمندانه و صمیمانه خویش مرا به خوان فضل و علم خویش ممان نموده و کلید مساله کتشی ابهام های اینجانب بودند.

تقدیم سپاس فراوان به استاد مشاور بزرگوار و اندیشمند، جناب آقای دکتر صادق زاده، که بی دریغ و صبورانه کام های لرزان مرا قوت بخشیدند.

سپاس و شکر از همه اساتید بزرگوار دوران تحصیل، که بیچگاه حقیر را از نظر های عالمانه خود محروم نکردند.

سپاس بیکران نثار ماد و پدر عزیز و بزرگوارم، که هستی شان را به پای نهال ناتوان وجودم ریختند تا بالیدم و اکنون در حرکام، همواره دعای خیر شان همراه و راحلشای من است.

سپاس فراوان تقدیم به همسر صبور و فرزند دوستم، که در تمام مراحل زندگی و به ویژه تحصیل، همراه و همسفری یاریگر و دلوز بوده است.

و تقدیم سپاس به سگوفه های شاداب زندگیم، سجاد و سهیل عزیز، که محطه های مادانه ام را میان آنها و کار و دانشگاه قسمت نمودم، گر چه همه به شوق بالندگی آنان و تمام فرزندان ایران زمین بوده است.

ابراز سپاس قلبی به همکلاسی های عزیزم آقایان: قاسمی و یوسنی و خانم: نیک فکر، اکبر زاده، موقر افضلی، اسدی پور، قاسمی و ارتعاسی و هم چنین

راهبانی های ارزنده دوست عزیزم خانم وجدانی.

چکیده

وجود تفکر انتقادی، برای دست یابی آدمی به رشد و بالندگی ضروری است. تفکر انتقادی، روش و نظریه ای مثبت است زیرا می تواند به آدمی این نوید را بدهد که در تمام عمر، باید بیندیشد، چون با نقد اندیشه و ساخت مجدد آن، زمینه برای اندیشیدن مداوم که جوهره اصلی انسان است فراهم می شود. تربیت دینی در قرن ۲۱ باید به گونه ای اعمال شود که در مقابل چالش های موجود به بهترین شکل، مخاطبان را جذب کند. اگر تربیت دینی بتواند با روش های جدید منطبق شود، گام موثری برای جذب افراد به دینداری برداشته است. یک راهکار اساسی در جامعه ما، داشتن تفکر انتقادی در شیوه های تربیت دینی است. اهداف اصلی پژوهش حاضر، تبیینی از سیر تحول مفهوم تفکر انتقادی و بررسی دیدگاه متفکران مختلف درباره آن و نیز پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا تربیت دینی، واجد ظرفیت تفکر انتقادی و مولفه های آن می باشد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، شناسایی نمودن وجوه مشترک و همگرایی بین مولفه های تفکر انتقادی و تربیت دینی است. برای این منظور، از روش تحلیل مفهومی بهره گرفته شده است و مفاهیم مورد نظر در تحقیق به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته اند. در این تحقیق، پس از بررسی دیدگاه متفکران و صاحب نظران مختلف، ویژگی های مشترک تفکر انتقادی و تربیت دینی استخراج شده و مقایسه ای بین مولفه های هر دو پارادایم انجام گرفته است. حاصل این پژوهش، نشان دهنده هم خوانی و تطبیق برخی از مولفه های تفکر انتقادی با برخی از شاخص های تربیت دینی به ویژه ابعاد شناختی آن است و به نظر می رسد همگرایی تفکر انتقادی با تربیت دینی نه تنها ممکن، بلکه مطلوب هم می باشد. به دست اندرکاران تعلیم و تربیت، پیشنهاد می شود که جهت تعمیق باورهای دینی و جهت گیری درست، به تقویت بعد رفتاری و عملی تفکر انتقادی در تربیت دینی بیشتر توجه شود که پیامد آن، ارتقاء و پیشرفت افراد جامعه است.

واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، تربیت دینی، همگرایی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
۱	مقدمه
۴	۱-۱ بیان مساله
۸	۲-۱ اهداف تحقیق
۸	۳-۱ سوالات تحقیق
۹	۴-۱ مواد و روش انجام تحقیق
۱۰	۵-۱ ضرورت انجام تحقیق
۱۲	۶-۱ تعریف مفاهیم و اصطلاحات
	فصل دوم: مبانی نظری و ادبیات تحقیق
۱۵	مقدمه
۱۵	۲-۱ مبانی نظری تحقیق
۱۵	۲-۱-۱ تعاریف
۱۵	مفهوم تفکر
۱۶	تعریف تفکر
۱۸	ماهیت تفکر و ابعاد آن

۲۰	تفکر در اسلام.....
۲۲	۲-۱-۱-۲ نقد و انتقاد.....
۲۳	هدف انتقاد و انتقاد پذیری.....
۲۴	اهمیت و ضرورت انتقاد و انتقاد پذیری.....
۲۵	نقد و انتقاد در اسلام.....
۲۷	۳-۱-۱-۲ تفکر انتقادی.....
۲۷	ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی.....
۳۰	تاریخچه و پیشینه مفهومی از تفکر انتقادی.....
۴۵	مروری بر مفاهیم و تعاریف تفکر انتقادی.....
۵۲	اهداف تفکر انتقادی.....
۵۲	اصول و ابعاد تفکر انتقادی:.....
۵۴	تفکر انتقادی از دیدگاه متفکران مختلف.....
۷۷	مقایسه تفکر انتقادی با تفکر عادی و عقلانیت.....
۸۰	موانع تفکر انتقادی.....
۸۷	آثار مثبت و سازنده تفکر انتقادی.....
۹۳	تفکر انتقادی در اسلام.....
۹۹	۴-۱-۱-۲ تربیت.....
۹۹	مفهوم و معنای لغوی تربیت.....
۱۰۱	تعریف اصطلاحی تربیت.....
۱۰۳	مؤلفه ها یا مشخصه های تربیت.....
۱۰۴	تربیت در اسلام.....

۱۰۶.....	۲-۱-۱-۵ دین
۱۰۶.....	معنای لغوی دین
۱۰۸.....	معنای اصطلاحی دین
۱۰۹.....	تدین، مولفه ها و شاخص های آن
۱۱۰.....	دین و نقش آن در زندگی بشر
۱۱۱.....	۲-۱-۱-۶ تربیت دینی
۱۱۲.....	مفهوم تربیت دینی
۱۱۶.....	تعریف و معنای تربیت دینی
۱۱۷.....	ضرورت و اهمیت تربیت دینی
۱۱۸.....	ابعاد تربیت دینی
۱۱۹.....	ویژگی های تربیت دینی
۱۲۰.....	اهداف تربیت دینی
۱۲۲.....	رویکردهای تربیت دینی
۱۲۸.....	شاخص ها و مولفه های تربیت دینی
۱۵۳.....	۲-۲ پیشینه پژوهش

فصل سوم: تحلیل زمینه های همگرایی تفکر انتقادی با تربیت دینی

۱۵۹.....	مقدمه
۱۶۰.....	۱-۳ ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی در تربیت دینی از منظر مبانی فلسفی و علمی
۱۶۳.....	۲-۳ عناصر، مولفه ها و ویژگی های مشترک استخراج شده از تفکر انتقادی

۳-۳ شاخص ها و مولفه های مشترک استخراج شده از تربیت دینی (به طور خاص تربیت

اسلامی) ۱۶۵

۳-۴ مولفه ها و شاخص های همگرا در تفکر انتقادی و تربیت دینی ۱۶۷

فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهاد

مقدمه: ۲۳۳

۱-۴ پاسخ به سوالات تحقیق و بحث و نتیجه گیری: ۲۳۴

۲-۴ پیشنهادها و راهکارهای پژوهش ۲۴۵

۳-۴ محدودیت های پژوهش ۲۴۷

فهرست منابع و مآخذ: ۲۴۸

الف- منابع فارسی ۲۴۸

ب- منابع انگلیسی ۲۵۸

چکیده انگلیسی ۲۶۱

فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه

با گذشت بیش از سه دهه از استقرار نظام اسلامی و با وجود تلاش های انجام شده جهت آشنا سازی کودکان و نوجوانان با اصول و مفاهیم دینی و اخلاقی، تحقیقات انجام شده، نشانگر آن است که مسأله آموزش دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده، گاه با تأثیرات معکوس نیز همراه گردیده و باعث شده است تا ناکارآمدی های مذکور تا حد زیادی در بحران آفرینی ها و کاستی های مشاهده شده در رفتارهای دینی نسل نوجوان و جوان ما سهم مؤثری داشته باشد (باهنر، ۱۳۷۸). از سوی دیگر در بررسی های به عمل آمده در زمینه آموزش دینی و کیفیت آن، می توان گفت وضع موجود در مدارس از جهات مختلف و به علل گوناگون از جمله برنامه های درسی، نیروی انسانی و امکانات، رضایت بخش نبوده است؛ چنان چه در تحقیقات انجام شده، دانش آموزان احساس دلزدگی نسبت به درس دینی نشان داده اند (حق شناس و قاسمی، ۱۳۶۸). اگر برنامه ها و فعالیت های گذشته، منصفانه و آگاهانه، مورد نقد و بازشناسی قرار گیرند و در محتوای این درس و نحوه ارائه آن بازنگری به عمل آید، می توان از تجربیات و دستاوردهای مثبت و منفی آن، چراغی فراروی آینده افروخت و در پرتوی نور آن به اصلاح و بهینه سازی فرآیند تعلیم و تربیت پرداخت و زمینه برنامه ریزی مناسب را برای دستیابی به آینده مطلوب، میسر ساخت.

از طرفی در جامعه معاصر، تحولات در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز تربیت مبتنی بر ارزش ها و آموزه های دینی و معنوی را با چالش های جدید و جدی عصری مواجه کرده و پاسخگو بودن رویه های سنتی را به شدت زیر سوال برده است. فرآیند تربیت دینی باید همگام و متناسب با تغییرات روز پیش رود تا بتواند جوابگوی نیاز مخاطبان خود باشد. اگر تربیت دینی بتواند با نیازها و روش های جدید منطبق شود، گام موثری برای جذب افراد به ویژه نسل جوان به دینداری و دین برداشته است. نکته مهم این است که روند تربیت دینی با توجه به ضرورت های زمان، چگونه باید پیش برود؟ تربیت دینی مجموعه ای از روش ها و شیوه های ابلاغ محتوا به فراگیران است. آن چه در تربیت دینی اهمیت دارد، چگونگی انتقال این آموزه ها به فراگیران است و باید ایده ها و راه های جدید را برای این امر برگزید. انسان ها، امروز با گذشته خیلی فرق کرده اند و علاقه مند به روش های نوین و مدرن هستند و دوست دارند که مطالب و محتوای دینی را در قالب نو، فعال و پر جنب و جوش و با روش های جدید بیاموزند. پس تربیت دینی در قرن ۲۱ باید به گونه ای اعمال شود که در مقابل چالش های موجود، به بهترین شکل مخاطبان را جذب کند. به نظر می رسد به دلیل وجود تغییرات مستمر در جامعه امروزی، داشتن تفکر انتقادی به عنوان یکی از شیوه های نوین، در تربیت دینی، امری لازم است.

از جمله شرایطی که در حال حاضر، جامعه ما با آن روبروست، گسترش امواج دیدگاه هایی است که سبب می شود تربیت دینی کم اهمیت جلوه کند. ادیان باید خود را برای رویارویی با چالش هایی آماده کنند که به وسیله دیدگاه های دین زدا پدید خواهد آمد. یک راهکار اساسی در جامعه دینی ما، داشتن تفکر انتقادی در شیوه های تربیتی است. آشفتگی و ابهام معنایی از واژه تفکر انتقادی، موجب آن شده که طرح پرسش از نسبت همگرایی تفکر انتقادی با مفهوم تربیت دینی، هم مبهم و هم حساسیت برانگیز نشان دهد. پژوهش حاضر، چاره ای جز این ندارد که مفاهیم و مولفه های اساسی

مربوط به بحث خود را واضح و شفاف نماید. هدف اصلی پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا تربیت دینی، واجد ظرفیت تفکر انتقادی و مولفه های آن می باشد؟ یا به تعبیر دیگر، آیا تفکر انتقادی در فضای تربیت دینی، امکان پذیر است؟

زمینه طرح این پرسش، تصویری درباره ماهیت تفکر انتقادی و مولفه های آن از یک سو و اقتضائات و لوازم تربیت دینی از طرف دیگر است.

کسانی که به پرسش های فوق، پاسخ مثبت می دهند، برآنند که می توان با حفظ هویت و چارچوب تربیت دینی، دارای تفکر انتقادی نیز بود. پیش فرض ناگفته این پاسخ مثبت، آن است که تفکر انتقادی در اصل، امر مطلوبی است و تربیت دینی، مانع از تحقق آن نیست و همگرایی تفکر انتقادی با تربیت دینی نه تنها ممکن، بلکه مطلوب هم می باشد.

در نقطه مقابل، کسانی که به این پرسش، پاسخ منفی می دهند، معمولاً با این تصور، همراهند که متدین بودن و تربیت دینی داشتن، چارچوب های مشخص و محدود کننده ای برای اندیشیدن و تفکر فراهم می آورد، به گونه ای که مجال برای تفکر انتقادی باقی نمی گذارد.

پس پرسش از نسبت بین تربیت دینی و تفکر انتقادی، نیازمند تبیین و ایضاح مفهومی و تعاریف دقیق از دو مفهوم « تفکر انتقادی » و « تربیت دینی » است. باید نشان داد که مولفه های تفکر انتقادی کدام است؟ همان طور که باید روشن شود که مراد از تربیت دینی چیست؟

تطبیق مولفه ها و عناصر تفکر انتقادی با آموزه های تربیت دینی و به ویژه دین اسلام، سبب می شود تا با روشی نوین به تربیت دینی نگریسته شود و نیز تبیین این موضوع، سبب تقویت پایه های نظری تفکر انتقادی در تربیت دینی می گردد. برای نهادینه شدن تفکر انتقادی در تربیت دینی در سطح جامعه و توجه کاربردی تر به این فرآیند، لازم است که با جنبه های نظری این دو پارادایم

بیشتر آشنا گردید. در راستای رسیدن به این امر مهم، این پژوهش در تلاش است تا وجوه مشترک بین تفکر انتقادی و تربیت دینی را شناسایی کند.

۱-۱ بیان مساله

قرن ۲۱، قرن پیشرفت اطلاعات و دانش است و انسان با سؤال‌های متعددی روبروست و برای پاسخگویی صحیح به سؤالات خود، نیازمند تفکر و ارزیابی است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت بر پرورش مهارت‌های اندیشیدن و تفکر، تأکید زیادی نموده‌اند. تفکر، در معنای دقیق از ویژگی‌های اساسی انسان است و در تعلیم و تربیت جایگاه خاصی دارد (شریعتمداری، ۱۳۷۵).

برای ایجاد نسلی پویا و تلاشگر، باید شیوه‌های قضاوت درباره جامعه و تفکر در مورد زندگی خود و دیگران را آموخت، چون موفقیت هر نظامی به توانایی افراد در تحلیل و تصمیم‌گیری متفکرانه بستگی دارد. از آن جا که کیفیت آینده فرد و جامعه به کیفیت تفکر فرد و افراد آن جامعه بستگی دارد، لزوم توجه به تفکر احساس می‌گردد. تفکر، صرف نظر از نتایج حاصل از آن موجب رشد و وسعت بینش می‌گردد و انسان را به سوی کمال عقلی و بصیرت سوق می‌دهد. در هر جامعه‌ای ارزش‌های اولیه و فرهنگ خاصی وجود دارد که بر تفکر افراد اثر می‌گذارد؛ بنابراین جوامع مختلف انسانی به دلیل عقاید و نگرش‌های متفاوت، دارای تفکر زمینه‌ای متفاوتی نیز می‌باشند. به منظور آشکارسازی مفاهیم، ارزش‌ها و رفع پیچیدگی‌های موجود در جهان امروز، انسان‌ها نیازمند یادگیری تفکر به طور علمی و منطقی می‌باشند تا زبان فرهنگی مشترکی یافته و واقعیت‌های خاص را به طور مشترک تجربه نمایند؛ بنابراین بر اساس نحوه اندیشیدن، نیاز به روش‌های خاصی برای تفکر مطلوب

می باشد. تفکر، انواع و اقسام گوناگونی دارد. تفکر انتقادی به عنوان یکی از انواع تفکر به دلیل ویژگی های خاصی که دارد از جایگاه ممتازی برخوردار است.

امروزه، تفکر انتقادی، به عنوان یکی از زیر رشته های نقد و ارزیابی، در بسیاری از دانشگاه های سراسر دنیا تدریس می شود (ملکیان، ۱۳۸۵). کارشناسان تعلیم و تربیت اتفاق نظر دارند که تفکر انتقادی نه تنها باید یکی از اهداف تعلیم و تربیت باشد، بلکه باید بخش لاینفک آموزش در هر مقطعی قرار گیرد، زیرا تفکری است که تحلیل، ارزشیابی، گزینش و کاربرد بهترین راه حل را در انسان به وجود می آورد، همان چیزی که نیاز دنیای امروز است (فورست، ۱۹۹۷: ۵۸). تفکر انتقادی قدرتی ذهنی و جسمی در شخص ایجاد می کند که او را برای رقابت ها و چالش های دنیای به سرعت متغیر کنونی آماده می سازد (پل، ۱۹۹۳: ۵۶).

در واقع، برای بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت و فیلسوفان، تفکر انتقادی، نه به منزله روشی برای تعلیم و تربیت، بلکه شرط لازم آن است (سیگل، ۱۹۸۰). آیزنر (۱۹۸۳) نیز، ضمن با ارزش دانستن و تأکید بر پرورش تفکر انتقادی در برنامه تربیتی انسان فرهیخته، معتقد است که تنها هدف تعلیم و تربیت، باید تقویت مباحثه و مناظره در کلاس باشد. تفکر انتقادی باید آن چنان تقویت شود که بتواند عقاید را از حقایق، سفسطه را از استدلال منطقی، شایستگی را از عدم شایستگی، به ویژه در فرهنگ هایی که از هر سو تحت بمباران اطلاعات مختلف قرار گرفته اند، تشخیص دهد. این گونه است که تفکر انتقادی برای حل مسائل و قضاوت کردن استفاده می شود و با تفکر خلاق و تصمیم گیری، قرابت و اشتراکاتی دارد (اینابی و آل شیخ، ۲۰۰۷).

وقت آن رسیده است که تعلیم و تربیت نیز شرایطی دیگر پیدا کند و به پرورش تفکر انتقادی و تقویت روحیه انتقاد پذیری در افراد، به منزله یکی از اهداف اصلی تعلیم و تربیت بیشتر توجه شود و به جای انتقال دانش صرف، تأکید بر فراهم سازی زمینه پرورش نقادی، به دور از احساس و تعصب و

تنگ‌نظری از اصول تربیت فعلی نماید. بنابراین پرداختن به جایگاه تفکر و به ویژه تفکر انتقادی یک امر ضروری است.

جامعه معاصر، اکنون بیش از هر زمان دیگر، نیازمند توجه و بازنگری در آموزه های اخلاقی، دین و تربیت دینی است. تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی ما از دیرباز با آموزه های دینی آمیخته بوده و اکنون نیز در سطحی گسترده و عمیق از آن متأثر می باشد (برخورداری، ۱۳۸۴). پس با توجه به اهمیت تربیت دینی به عنوان یکی از جنبه های تربیت و مباحث مورد مناقشه امروزی، دستیابی به اهداف تربیت دینی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. البته شناخت مفهوم تربیت دینی منوط به شناخت معنای دو کلمه تربیت و دین است.

سخن گفتن از تربیت دینی در قرن حاضر، مستلزم آن است که تربیت دینی به صورتی آشکار شود که توان مقاومت در برابر چالش‌های این قرن را داشته باشد. در مقابل نگرش های مختلف دینی و موضع‌گیری های آن ها، آن چه مسلم است این است که تربیت دینی به ناچار با این پارادایم مواجه است.

به نظر می رسد توجه به تفکر انتقادی، لازمه تربیت دینی است. برای پرورش شهروند دینی و اخلاقی در جامعه اسلامی، توجه به پرورش تفکر انتقادی به منزله یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت، باید مورد توجه نظام آموزشی قرار گیرد. بنابراین اگر تعلیم و تربیت در معنای عام و تربیت دینی در معنای خاص را بررسی کنیم به روشنی مشخص می شود که تعلیم و تربیت دینی، در توجه به پرورش تفکر انتقادی، تا حدی غفلت کرده است. غفلت از این امر مهم، منجر به نگاه ثابت و غیر منعطف و گاه متعصبانه و جزمی نگر، به پدیده ها و امور و آموزه های دینی شده است که این امر در واقع با اصل آزادی و اختیار که خداوند در قرآن به طور صریح به آن اشاره کرده است، منافات دارد و نتیجه آن، چیزی جز محفوظات و آموخته های نظری دینی نیست که این آموخته ها و محفوظات، نه می توانند

جوابگوی نیازهای درونی باشند و نه برخی از آن‌ها می‌توانند در زندگی روزمره به کار آیند، پس در نوع نگاه به تربیت دینی، باید هر چه زودتر تجدیدنظر و بازنگری اساسی انجام گیرد.

با توجه به ویژگی‌های تفکر انتقادی به نظر می‌رسد پرداختن به تفکر انتقادی در حوزه تعلیم و تربیت دینی و ویژگی‌های آن، با مشکلات و موانعی روبروست، چنان‌که بعضی در تعریف تفکر انتقادی بر این باورند که تفکر انتقادی، حد و مرز معرفتی، اعتقادی و ایدئولوژیک نمی‌شناسد، در حالی که در تربیت دینی، منطقه ممنوعه و خط قرمزی به لحاظ معرفتی، باوری و ایدئولوژیک وجود دارد و تربیت دینی به طور جدی، با حدود و مرزها سر و کار دارد (باقری، ۱۳۷۹).

هر گاه سخن از مقوله‌ای به نام تربیت دینی به میان می‌آید، پرداختن به نقد و تفکر سخت می‌نماید، چرا که بعضاً موضوعات مورد اشاره در تربیت دینی جنبه‌هایی از تقدس را دارا هستند که پرداختن نقادانه به آن‌ها امری غیرممکن تلقی می‌شود. بعضی از اندیشمندان در راستای نقد امکان تربیت دینی، به عدم امکان نقادی در تربیت دینی اشاره می‌کنند و بر این باورند که اساساً دینی بودن یک فرآیند با انتقادی بودن قابل جمع نیست. چرا که دین به طور کلی با روحیه نقادی سازگار نیست و بیشتر جنبه پذیرشی دارد و این با فرآیندی به نام تعلیم و تربیت که جنبه انتقادی دارد قابل جمع نیست (سجادی، ۱۳۸۴). از منظر موافقان، امکان انتقادی بودن فرآیند تربیت دینی نیز البته وجود دارد چرا که دین در کنار توصیه به تعقل پیرامون بایدها، به تفکر و تعقل در توصیفات که دین از امور بدست می‌دهد و متربی باید آن‌ها را بیاموزد، دعوت می‌کند. چنان‌که از منظر اسلامی، پذیرش اصول دین باید آگاهانه، عاقلانه و عالمانه باشد نه از روی تلقین و تعبد، که این‌ها خود بر امکان اجتهاد انتقادی و عقلانی برای مفسران و متکلمان در امر دین، دینداری و تربیت دینی دلالت دارد.

بنابراین با توجه به چالشی که امروز تعلیم و تربیت دینی با آن مواجه است، پژوهش حاضر به دنبال بررسی سیر تاریخی تفکر انتقادی و جایگاه آن در تربیت دینی است و مسئله اساسی این تحقیق،